

لاله های آتشین

ما لاله های آتشین
ما زنده های راستین
ای نازنین !
ای نازنین
یاران مانده در حصار
برچشم دژخیمان ، خار
به جستجوی گورهای ما
کناره های رودآمو را
دامنه های کوه هندوکش
دشت های بگواه
یا اطراف پلچرخ را
با مژه نکاوید
یاران نموید

ماییم در هر کجا
در هر کجای این زمین
باعشق آتشین
از بهر سرزمین
در گورهای جمعی با هم خفته ایم
در زیر خاک پاک
خاک که بجرم دوستی اش
مارا کشته اند
مارا گروه گروه ، به رگبار بسته اند
گویا مارا ز روی زمین پاک رفته اند
زهی خیال خام

ماییم بزرعشق
آکنده با تپش
وقتی که آذرخش
آتش زند کرانه آسمان تیره را
وقتی که باران با شاخی غضب
شخم زند ، دل پردرد خاک را
گور بی نشان ما پیدا میشود
حقیقت هویدا میشود

ما سبز میشویم
بر بستر بهار

بهار رفته از یاد

بهار رفته برباد

ما سبز میشویم

آنگاه

برهر سوراخ گلوله خورده جمجمه های ما

هزار هزار پرستوی بازگشته با بهار

آشیانه خواهند ساخت

و باد های پُرخروش فصل رُستن

فریاد های مارا

فریاد های خونخواهی مان را

از پنجره استخوان های شکسته سینه مان

تا دورترین قسمت های وطن

دشت ها ، دره ها و کوهپایه های میهن

خواهند بُرد

یاران نازنین !

نازنینی سرزمین

بروی گورهای دسته جمعی ما

گل مگزارید

ما تنها نیستیم

ژوهیدن روا نیست

اشک مریزید

ما نمرده ایم

ما را مُرده مپندارید

ما کشته شده گان تیغ بیداد یم

ما عاشقان آزادی

شیفتگان قانون انسانیم

ما تنها نیستیم

مارا سینه به سینه

با گلوله های سُرّبی به هم دوخته اند

آنهای که با بیشرمی در بستر بردگی خفته اند

ما باز هم باهم ایم

آنجا در روی زمین

ما ، نان را و چراغ را با هم قسمت میکردیم

و این جا ، درگور جمعی ، در زیرزمین

شهادت و شهامت را باهم قسمت کرده ایم

یاران همیشه یار !

سربازان رهایی دیار

برای ما گریه نکنید
برای پیدا نمودن گورما
و جب و جب خاک را
با ناخن مکاویید
در عوض
برای سیه روزهای « هفت و هشت ثور »
نفرین نمایید
نفرین تلخ و سیاه
تا آروز ، تا رستاخیز توده ها

میدانید ما زنده های راستینیم
استخوان های ما با باران های بهاری
روی زمین را لاله میکارد
همه دشت ها
از کنار رود ها تا دامنه کوه ها
از خون ما لاله گون میشوند
آنگاه
کبوترهای صحرایی
سلام مارا برای رهروان سپیده
و عاشقان آزادی خواهند بُرد

برای ما اشک مریزید
قبول کنید
گرچه قبول کردنش مشکل است
ما نمرده ایم
این خون ماست
که در رگهای زمین جاریست
و هر خطه را که در آن اسارت و استعمار بیداد میکند
به تپش آورده است
امریکای جنوبی
افریقا و آسیا
یا گوشه از اروپا
با خون ما عاشقان آزادی
که از یک تباریم
لاله گون گردیده
ما
چراغ لاله بدست
گرداگرد هم
چون حلقه های زنجیر به هم پیوسته
کوه و دشت و دریا را

به پیشواز (بهار آزادی خلق ها)
تخم لاله میکاریم
لاله های سرخ آتشین .